پشت پرده کتاب «کلیسای جامع» چه خبر است؟

تماشای بی پرده انسان

کتاب را با پرس‌وجویی اجمالی و بیشتر به خاطر نامش انتخاب کردم. مطمئن نبودم این کتاب همانی باشد که قرار است در این صفحه معرفی و بررسی‌اش کنم، اما با خواندنش نظرم تغییر کرد. چند نفر کتابخوان حرفه‌ای و یکی دو نویسنده هم حسابی از کتاب تعریف کردند و تردیدهای مرا کنار زدند.

صورت کتاب

کتاب «کلیسای جامع» مجموعه داستان‌های کوتاه است اثر ریموند کارور. این مجموعه را فرزانه طاهری ترجمه کرده و ۳۲۳صفحه است و شامل سه مجموعه داستان جداگانه به علاوه دو مقاله از کارور و یك مصاحبه با او می‌شود.

کارور متخصص داستان کوتاه است. در کارنامه آثار او چیزی جز مجموعه داستان‌های کوتاه نمی‌بینیم. مترجمِ کتاب پیش روی ما هم به این موضوع آگاه بوده و تعدادی از بهترین داستان‌های او را از مجموعه‌های «می‌شود لطفا ساکت باشی؟»، «وقتی از عشق حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم» و «کلیسای جامع» برگزیده و در قالب یك کتاب به ما عرضه کرده است. مجموعه اول شامل هفت داستان است و دو مجموعه دیگر هر کدام شش داستان دارند.

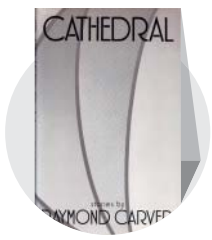
درونمایه کتاب «کلیسای جامع» چیست؟

خیلی فکر کردم چطور آنچه را وعده داده‌ام درباره این کتاب بنویسم! تحلیل و بررسی یك داستان یا رمان از هر زاویه‌ای ساده‌تر از تحلیل و بررسی سه مجموعه داستان کوتاه است؛ آن هم با نگاه از زاویه فلسفه.

تنها راهی که به ذهنم رسید همین بود که درونمایه تمام داستان‌ها را کشف کنم، بعد یا حین خواندن فلسفه درونی‌شان را پیدا کنم، بعد که نشستم پای نوشتن این صفحه مراحل را برعکس کنم. یعنی اول برایتان بگویم در مجموع فلسفه درونی این داستان‌ها چیست؛ بعد کمی درباره آن توضیح بدهم و تلاش کنم از داستان‌ها نمونه و مثال بیاورم تا حرف و دیدگاهم را مستند کرده باشم.

به نظر من درونمایه این کتاب را می‌توان ذیل فلسفه وجودی یا اگزیستانسیالیسم دید. پیشتر گفته و ضمنا خواسته بودم اجمالا تعریفی از فلسفه را از من بپذیرید؛ آن تعریف چه بود؛ فلسفه، شیوه‌ای از تفکر درباره هستی و زندگی است که تلاش می‌کند با دقت همه جوانب پرسش‌های معطوف به زندگی را ببیند و با دقت بیشتری به آنها پاسخ دهد. این تعریف کف زمین فلسفه بود. در این زمین مکتب‌ها و سنت‌های فلسفی مختلفی رشد کردند و هرکدام هم میوه خاص خودشان را داشتند. یکی از آنها سنت فلسفی اگزیستانسیالیسم است.

نکته مهم و مشترك در تمام مکاتب اگزیستانسیال این است که آنها نقطه شروع تفکر و اندیشه را «انسان» می‌دانند. در تمام این هستی موضوع اندیشه آنان انسان و نوع مواجهه‌اش با «وجود» است. شاید ادعای گزافی نباشد که بیشترین تبادلات فکری میان ادبیات و فلسفه در همین نقطه شکل گرفته است. چه بسیار فیلسوفان اگزیستانس که افکار و اندیشه‌هایشان را با ابزار ادبیات عرضه کرده‌اند و چه بسیار نویسندگانی که آثارشان تنه به تنه فلسفه وجودی زده است.



کارور با آرامش تمام می‌نشیند و قصه‌ای برایمان تعریف می‌کند و بعد این ماییم که غرق در تجربه‌های مشترکمان با آدم‌های داستان فقط سکوت می‌کنیم

موضوع دغدغه فلسفه وجودی انسانی است که «هست»، رنج می‌کشد، با آزادی و مسؤولیت انتخاب‌هایش مواجه است، تنهاست و مدام با نیازهای انسانی‌اش درگیر است و بعضا برایش با احساس گناه همراه است. انسان رنج کشنده تنهای مسؤول، نیازمند موضوع و دغدغه اگزیستانسیالیست‌هاست؛ اما «کلیسای جامع» هیچ چیز نیست جز وضعیت انسان. همین انسان روی همین کره خاکی. کارور که سبك نویسندگی‌اش رئالیسم یا واقع‌گرایی کثیف خوانده می‌شود به بهترین نحو ممکن وضعیت چنین انسانی را تصویر کرده است؛ در تك‌تك داستان‌ها و با تمام جزئیات. کارور ما را دعوت به نگاه بی پرده و بدون تعارف به انسانی می‌کند که روزگاری خیال می‌کرد قهرمان است یا حداقل می‌تواند قهرمان باشد. آدم‌های قصه‌های کارور در جهانی مدرن و با امکاناتی زندگی می‌کنند که انسان برای آسایش و احساس آرامش خودش ساخته بود؛ اما آنها آرام و آسوده نیستند. آنها چیزهای بیشتری می‌خواهند درحالی‌که می‌دانند داشتن آن «بیشتر»ها هم حالشان را بهتر نخواهد کرد. همان‌طور که در اولین داستان با عنوان «همسایه‌ها» می‌خوانیم و از میزان



کتاب «کلیسای جامع» مجموعه داستان‌های کوتاه است اثر ریموند کارور. این مجموعه را فرزانه طاهری ترجمه کرده است. کتاب ۳۲۳ صفحه است و شامل سه مجموعه داستان جداگانه به علاوه دو مقاله از کارور و یك مصاحبه با او می‌شود

صراحت راوی شوکه می‌شویم. آدم‌های قصه‌های این مجموعه سرگشته، تنها و راضی به وضعیت موجودند. آنها خسته‌تر از این هستند که برای تغییر زندگی‌شان قهرمان داستان خود باشند یا اصلا در گمگشتگی دنیای مدرن راه‌حلی برای مسائلشان نیست که قهرمانانه آن را انتخاب و به‌آن عمل کنند.

آنها در زندگی‌های حداقلی و مینی‌مال خود باقی می‌مانند چون امید و توانی برای تغییر وضعیت ندارند. شادی‌های کوچك، رویاها و آرزوهای کوچك....

هر داستان وجهی از وجود و نیازمندی انسان را پیش روی ما می‌نهد. به داستان «شما دکترید؟» نگاه کنید؛ چه چیزی بیش از «نیاز به دیده شدن و توجه» در تمام زندگی همراه انسان است؟ آیا با تمام جنگ‌هایمان می‌توانیم چنین نیازی را منکر شویم یا خودمان را خالی از آن بیابیم؟ کارور با آرامش تمام می‌نشیند و قصه‌ای برایمان تعریف می‌کند و بعد این ماییم که غرق در تجربه‌های مشترکتمان با آدم‌های داستان، فقط سکوت می‌کنیم. نگاه کنید به داستان «از عشق که حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم؟» به آدم‌هایش نگاه کنید. کسانی که انگار جهان هیچ چیز تازه‌ای برایشان ندارد و وقتی از عشق حرف می‌زنند گویی از افسانه‌ای می‌گویند که روزگاری می‌توانست به مقابله با حس تنهایی انسان برخیزد و حالا توهمی بیش نیست.

داستان پایانی کتاب «کلیسای جامع» است. کلیسای جامع عجیب‌ترین داستانی بود که تا امروز خوانده‌ام. هیچ چیز به اندازه خود داستان برایتان روشن نخواهد کرد که آدم‌های این قصه چگونه «هستند» و چطور جهانشان را تجربه می‌کنند...

«کلیسای جامع» هیچ چیز نیست جز انسان.

کارور و داستان‌هایش

کارور چیزی بیش از نویسنده است. این مجموعه را که دست بگیرید و بخوانید آرام آرام با من هم‌عقیده خواهید شد. او یك تصویرساز فوق‌العاده است. از همین رو تجربه خواندن این کتاب برایتان شبیه تماشای فیلم یا سریال خواهد بود. کارور درونیات شخصیت‌هایش را طوری روی میز می‌ریزد که گویی شما را وارد آن صحنه و لحظه کرده است. شما آنجا خواهید بود.

در شماره بعد کتاب «تونل» اثر ارنستو ساباتو را با هم مرور خواهیم کرد.

